

بسیج و نقش آن در دفاع همه جانبه

مهدی مطهرنیا

نقش بسیج در استقرار نظم اجتماعی و استمرار حاکمیت:

یکی از مهمترین سؤالاتی که در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی مطرح است و از سوی صاحب‌نظران پاسخ‌های گوناگونی به آن داده شد، مسأله نظام سیاسی است. به عبارت دقیقتر: این سوال مطرح می‌شود که، چرا و چگونه یک رژیم سیاسی پایه‌ها و پایگاه‌های خودش را از دست می‌دهد؟ پایه‌های قدرت یک رژیم سیاسی بر چه چیزهایی متکی است و چگونه پیدا می‌شوند؟

موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و نیروهای اجتماعی است و در تحلیل نهایی معتقد است، نیروهای اجتماعی ممکن است در مقابل ساختار قدرت بپاخیزند و یا در آن شرکت و اعمال نفوذ کنند و یا دچار انفعال سیاسی شوند. به عقیده ایشان، دولت‌ها در برابر هر کدام از این اعمال، عکس‌العملهایی دارند. در برابر ستیزه‌جویی عناصر خارج از قدرت، نیروهای اجتماعی خارج از عرصه قدرت را سرکوب می‌کنند و یا در قبال شرکت و اعمال نفوذ آنها، ایشان را در خانه قدرت راه می‌دهند و یا در برابر انفعال سیاسی آنها، آنان را بسیج می‌نمایند و از همین جا مفهوم «بسیج» در مقام یکی از اصلیتین پایگاه‌های ایجاد فرهنگ سیاسی جامعه پذیرفته می‌شود، مشارکت سیاسی و در نهایت توسعه و نوسازی سیاسی، نمود بارز پیدا می‌کند.

از سوی دیگر هر حکومتی جهت جلوگیری از ستیزه‌جویی عناصر خارج از قدرت و افزایش قدرت متکی بر توده‌ها، نیازمند "بسیج" است، تا جائیکه میتوان گفت: مطمئن‌ترین و اصلی‌ترین عنصر برای ایجاد نظم سیاسی و حفظ «قدرت حاکمیت»، «بسیج» می‌باشد که به معنای دخیل کردن توده‌ها در فعالیتهای سیاسی از طریق بستر مناسب، مشروع و قابل کنترل است.

حضرت امام خمینی (ره) در دیدار جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند:

«ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت و همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور، همه این یک معجزه است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دستهای بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارک و تعالی به ما عطا فرموده است بدین ترتیب «مردم» چه در مقطع قیام و چه در مقطع استمرار انقلاب و سازندگی پشتوانه اصلی حرکت، هدف و مقصد نهایی انقلاب هستند انقلاب بدون پشتیبانی آنها به سر منزل مقصود نمی‌رسد.

حضرت امام (ره) بسیج را بستر مناسب و ایده‌آل این موج عظیم نیروی ملی در هر دو دوره می‌دانند:

«رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده و بحمدالله تعالی با همت جوانان پرومند و داوطلبان گروه میلیونی رزمنده تربیت و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای عظیم ملت و شور و شعنی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود ارتش بیست میلیونی که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شرّ جهانخواران مستجاوز است تحقق یابد.»^(۱)

در این دیدگاه «بسیج» بهترین پایگاهی است که میتواند کوشش‌های مشترک و توأمان مردم و دولت را برای بهبود و اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در هر محل هماهنگ کند، مردم آن محل را در زندگی اجتماعی ترکیب نماید و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد.

به فعلیت رسیدن چنین پروسه‌ای به همان چیزی می‌رسد که هدف نهایی و آرمان بنیادین توسعه سیاسی است، یعنی «مشارکت مردمی در پیشرفت ملی» نظریه پردازان علوم سیاسی و متخصصین توسعه سیاسی معتقدند که توسعه سیاسی در هر کشور حاصل گسترش فرهنگ سیاسی، تولد و رشد جامعه پذیری سیاسی و تعمیم گسترش مشارکت سیاسی در همه ابعاد متصوره آن است، که در نهایت به شرکت توده‌های میلیونی در حل و فصل مسائل و برنامه‌های ملی منتهی می‌شود.

بدین ترتیب در خواهیم یافت که بسیج، به عنوان مجمعی متشکل از توده‌های علاقمند به سرنوشت ملی خویش، با گرایش‌های ویژه ایدئولوژیکی است که می‌تواند یکی از شایسته‌ترین پردازشگران الگوهای خاص از نظر جهت‌گیری‌ها به کنش سیاسی باشد و در مقام رسیدن به یکی از مراکز مهم اجتماعی، (گروه‌های همفکر و تماس مستقیم سیاسی) می‌تواند رسالت حفظ و انتقال ارزشها، هنجارها و آداب و رسوم را از نسلی به نسل دیگر بر شانه‌های پرتوان و جوان، جوانمردان و تجربه‌های گران قیمت پیران دنیا دیده، استوار گرداند. این در حالی است که بهترین مجمع و گردهمایی اراده ملی و دولتی (به طور مشترک و توأمان) برای رسیدن به پیشرفت ملی، در شکل بسیج توده‌های میلیونی شکل گرفته است، که جلوه بارزی دارد، لذا مشارکت سیاسی را در عمیق‌ترین شکل خود متجلی می‌سازد. به همین علت است که باید از گرایش به «دولتی شدن» بسیج در مفهوم خاص آن پرهیز نمود. نقش امام خمینی (ره) در بسیج توده‌های میلیونی و در مقاطع مختلف تاریخ انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای روشن است که تمامی تحلیلگران انقلاب اسلامی را در

رهیافتهای گوناگون تبیین انقلاب اسلامی در ایران و ادار به صحنه نهادن بر این مطلب نموده است.

امام راحل (ره) توانست تکه یخهای عظیم و بی شمار میلیونی را آب نماید، آبها را بخار کند، بخارها را مجتمع نماید و ماشین انقلاب را با موفقیت کامل به سر منزل مقصود رسانده و استمرار حرکت آنرا با اتصال به تاریخ پویای مجاهدات اسلامی بیمه نماید.

یکی از ویژگیهای برجسته امام خمینی (ره) توانایی ایشان در بسیج و گردآوری توده‌های میلیونی مردم به سوی هدفی واحد و انسجام بخشیدن این اجتماع، در راه رسیدن به آن هدف بود.

در دوره نخست انقلاب، رهبری امام (ره) حول محور و "اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا" شکل گرفت و لذا «بسیج» بر حسب مقتضیات زمان، در معنای سیاسی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوهره چنین کششی را باید در تأیید و ترویج این اعتقاد دانست که «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست». تأکید بر چنین اعتقادی، از سوی رهبر که در عین پرچمداری انقلاب، مرجع تقلید دینی مردم نیز هست، موجب شد که عاشورای حسینی از سوگواری‌های محض فراتر رفته و هیأت‌های مذهبی به تشکل‌های سیاسی تبدیل شود. پس از انقلاب اسلامی دیگر مفهوم انتظار فرج آقا امام زمان «عج»، معنی پذیرش فساد و ظلم تا ظهور آن حضرت را در بر نمی‌گرفت، بلکه معنای قیام در راه آن حضرت را تا رسیدن به فرج پربرکتش افاده کرد، بدون شک تبدیل نگرش‌های نادرست به دیدگاههای صحیح و ناب اسلامی تنها به واسطه رهبریت امام (ره)، صورت می‌پذیرفت در غیر این صورت توده‌های عظیم مردم به سهولت پذیرای تغییر برداشت‌های خود نیستند. دومین دوره از تاریخ انقلاب اسلامی، دوره سازندگی و استمرار انقلاب است.

این مهم نیز بی‌تردید نیازمند بسیج توده‌های میلیونی به معنای در صحنه بودن و پذیرای شهادت بودن است. به عبارت دیگر اکنون «بسیج» نه در بستر هجوم به

ساختار طاغوتی بلکه در بستر دفاع همه جانبه از ارزشها و دستاوردهای انقلاب ظاهر می‌شود. لذا اگر استراتژی را در فشرده‌ترین تعریف آن یعنی تعریفی که استراتژی را حاصل برخورد دو اراده متضاد می‌داند، در نظر بگیریم، استراتژی امام (ره) قبل و پس از انقلاب اسلامی سازندگی است، که در مرحله اول، با هجوم بر ساختارهای طاغوتی و در مرحله دوم با دفاع از ارزشهای انقلابی و سامان دهی نظام ایده‌آل، جلوه می‌نماید و در هر دو مرحله آنچه که مهم است، بسیج توده‌های میلیونی مردم در رسیدن به این مقاصد است.

بسیج تجسم اراده ملی در سازندگی و دفاع:

«بسیج» مانند «حرکت»، مقوله‌ای دو پهلو است که هم در جنبه دینامیک و هم در جنبه استاتیک حرکت آفرین می‌باشد بسیج چه در قبل از انقلاب در یورش به مواضع طاغوت و طرد و تخریب آن و چه پس از انقلاب در مرحله سازندگی و تقویت انقلاب، تجسم اراده ملی است.

پس از انقلاب اسلامی در ایران دو مقطع مشخص برای کاربرد این دو معنا از سوی حضرت امام (ره) قابل تفکیک و تمایز است. مرحله نخست از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ تا شروع جنگ تحمیلی در نیمه دوم سال ۵۹، و مقطع بعدی از مهر ۵۹ تا پایان جنگ تحمیلی، که در مقطع نخست بسیج سیاسی برای سازندگی و در دومی بسیج نظامی جهت دفاع مد نظر است. البته این تأکید بدان معنی نیست که در هر یک از این مقاطع کاربرد عملی یک معنا در مقطعی دیگر متوقف می‌ماند، بلکه بدان معنی است که جلوه بارز بسیج برحسب مقتضیات زمانی و ضرورت‌های موجود در هر یک از این مقاطع بدان ترتیب است.

استراتژی کلان حضرت امام (ره) در تمامی دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دوران پس از انقلاب بر مبنای متلاشی ساختن نظام الحادی حاکم بر جهان و مبارزه با نموده‌های فکری و رفتاری استکبار جهانی در سطح بین‌المللی به مرکزیت جهان

اسلام، یعنی ایران اسلامی بود. امام (ره) در این باب می‌فرمایند: «...مستولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداء - است.»^(۱)

در سطح تحلیل کلان و در یک بازنگری و ارزیابی نظام شمول، اهداف عمده‌ای که انقلاب اسلامی در «دفاع مقدس نظامی» تعقیب می‌کرد، به اجمال عبارت بودند از:

الف - حفظ انقلاب و کسب قدرت فزونتر با تأکید بر تعمیق فرهنگ انقلاب در جان انسانها و اجتماعات جهت بسیج میلیونی در دفاع از مرزهای شرعی و ملی .
ب - حفظ سیاست هجومی نسبت به استکبار جهانی با این اعتقاد که بهترین دفاع، هجوم است .

ج - تثبیت انقلاب در صحنه سیاست‌های بین‌المللی از طریق اتخاذ سیاستهای مستقل و هم‌چنین ارتباط با جهان اسلام، ملل و دول مستضعف و محروم جهان . رسیدن به تمامی اهداف فوق بیش از هرچیز مستلزم همدلی امام و امت و هم‌چنین شناسایی رسمی این اهداف در مقام «اهداف ملی» بود و تاریخ به خوبی نشان داد که موفقیت مقاطع دیگر انقلاب با همدلی امام و امت مستحکم و غیر قابل تردید است . چراکه فردای تجاوز عراق به خاک میهن اسلامی، ملت قهرمان ایران در برابر دشمن متجاوز به رهبری فرماندهی کل قوا، به مقاومتی مثال‌زدنی دست یازید . از نوجوان ۱۲ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله و از قلک‌های دختران نوجوان هشت ساله تا دستبندهای جواهرنشان شیرزنان ایران زمین در یک بسیج همه‌جانبه به فرمان امام امت (ره) به کمک دفاع و رسیدن به اهداف ملی در مقطع جنگ آمد و

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مهدی مطهرنیا، طرف پیروز در جنگ ایران و عراق .

این کمک و پشتیبانی امت از رهنمودهای امام (ره) به گونه‌ای تجلی نمود که حضرت امام (ره)، در مقام مقایسه موضوعی در بیاناتشان، همواره بیشترین حجم تأکید بر اهمیت تشکر و پشتیبانی خویش را نثار این امت قهرمان نمودند^(۱) و همین حضور مردم در صحنه را عامل اصلی پیروزی و موفقیت نهضت اسلامی در تمامی دوران و مقاطع تکاملی آن خواندند. ایشان می‌فرمایند:

«ملت ما شهادت را ترجیح می‌دهد و می‌گوید ما می‌خواهیم شهید شویم. از اول نهضت تقریباً من نجف بودم از آن وقت تا حالا زن و مرد و جوانها می‌آیند از من استدعا می‌کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم، من دعا میکنم ثواب شهید پیدا کنید. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش در تهران داشتیم آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد از آن زن یک کاغذی به من داد، خواندم، دیدم نوشته است شما دعا کنید من شهید بشوم...»

«یک ملتی که شهادت را می‌طلبند و دعا می‌خوانند برای شهادت آیا اینها از دخالت نظامی می‌ترسند؟! اینها از خطر اقتصادی می‌ترسند؟!»

و به همین دلیل است که بسیج دولتی را در اختیار بسیج ملی می‌دانند و در دیدار با اعضای هیئت دولت می‌فرمایند:

«ما هر چه داریم از این ملت است، البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند ما باید بگوییم که این ملتی که ما را به این مقامها رسانده‌اند از ما چه می‌خواهند و ما باید برای آنها چه بکنیم؟ از ما میخواهند که تمام این ارگانهایی که هستند، تمام این رؤسایی که هستند از رئیس جمهور گرفته، نخست وزیر و وزراء تا وکلا و عرض میکنم که وزارتخانه‌ها و هر چی در آنها است اینها میخواهند که همه در راه اسلام که خواسته ملت بود و اسلام آنها را موفق کرده، اینها هم در همان طریق برای اسلام راه بروند.»

۱- مراجعه کنید به مجموعه در جستجوی راه امام(ره)، دفتر نهم، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲)

حضرت امام (ره) با تکیه بر چنین امت شهیدپروری استراتژی دفاع همه جانبه را در مقابله با استکبار جهانی دنبال مینماید. چرا که اراده امام و امت بر این قرار گرفته است که با تمام قوا و ارزشهای ناشی از انقلاب اسلامی در تمامی جبهه‌ها دفاع و حفاظت نمایند و با اطمینان کامل به ایمان عمیق امت است که در پیام خویش به کنگره حج در سال ۵۹ می‌فرمایند:

«ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شود، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است ... امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند.»

بدیهی است که اینهمه قدر و منزلت قائل شدن برای ملت و قدردانی از امت شهیدپرور از سوی امام (ره) نشانه‌دهنده اهمیت «ملت» در استراتژی حضرت امام (ره) می‌باشد. وجود چنین ملتی با آن خصوصیات و از آن مهمتر استقامت ایشان در برابر تهاجمات بیگانه است که «بسیج» را تحقق می‌بخشد.

بدین گونه وجود مردم و استقامت ایشان در برابر تهاجم، اولین و مهمترین گام دفاع همه جانبه است.

حضرت امام (ره) با ژرف نگری وسیع خود در مقام یکی از بزرگترین طراحان دفاع مبتنی بر غیر نظامیان و بسیج توده‌های میلیونی در امر سازندگی می‌فرمایند: «ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ شرافت‌ها است بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشند. استقامت معنایش این است که اگر گرفتارهایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگ‌هایی که پیش می‌آید برای ملتی که می‌خواهد شرافتمند باشد، می‌خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر برساند، از مشکلات هراس نداشته باشد، در مشکلات سستی نکند، این امر خداست. خدای تبارک و تعالی که دفاع را برای همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است و ما هم الان در آن امر واقع شدیم که دفاع می‌کنیم از شرافت خودمان، دفاع می‌کنیم از اسلام عزیز همان که امر فرموده است که دفاع

کنید. به همه ملتها هم امر فرموده است که پایدار باشید، استقامت کنید...»
 برای شناسایی استراتژی امام (ره)، باید نخست هدف یا اهداف حضرت
 امام (ره) مشخص و سپس استراتژی دستیابی به این اهداف را از نحوه برخورد
 ایشان با مجموعه توانمندیهای مادی و معنوی، درک نموده و جایگاه بسیج را
 مشخص کرد.

اگر بخواهیم بر اساس مستندات موجود اعم از بیانات و عملکرد حضرت
 امام (ره) به استخراج هدف یا اهداف ایشان پردازیم، قبل از هر چیز باید به این
 نکته توجه داشته باشیم که هدف جوهری حضرت امام (ره) به سان اسلاف خویش
 «سازندگی بر اساس تعالیم انسان ساز اسلام ناب محمدی ﷺ» است که در مقام
 هدف غایی، اهداف وابسته ذیل را شامل می‌گردد.

الف - هدف اولیه:

دست یابی به یک قدرت بزرگ جهانی:

«... مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود،
 همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنها مقدم می‌شود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی
 به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را بوجود می‌آورد.»

«راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند
 و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر
 آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند چه
 کسی جلو او را خواهد گرفت. پس راهی جز مبارزه باقی نمانده است...»

ب - هدف وابسته یا اصولی:

برنامه‌ریزی، ساخت و استحکام بخشیدن به یک نظام‌الگویی:

امام (ره) با اشاره به اینکه:

«... وظیفه اولیه ما، انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که: ای

خواب رفتگان، ای غفلت زدگان، بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست و نیز فریاد کشیم: سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست. آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت.^(۱)

ایران را اردوگاهی سیاسی، نظامی، برای مبارزه جهان اسلام می‌دانست و می‌فرمود:

«ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.»

و به همین جهت است که چنین دعا می‌کند:

«خداوندا بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فروریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات برکات وراثت امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما...»

ج - هدف نهایی گسترش و نشر فرهنگ انسان ساز اسلام در نظام بین‌الملل:

۱/ج - صدور انقلاب اسلامی و تشکیل بسیج جهان اسلام:

«امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی ﷺ است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و رزق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهد برد...»

«جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان براه اندازیم. ما باید خود را

آماده کنیم تا بر این جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جشن گرفته شود.»

۲/ج - آزاد سازی انرژی متراکم جهان اسلام :

«ما با اسلام برائت از مشرکین، تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن، روزی این کار صورت خواهد گرفت.»

۳/ج - نابود سازی نظام های استوار بر پایه های صهیونیسم، کمونیسم و کاپیتالیسم: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخوران بوده هستیم . حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم . ما در صدد خشکاندن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم.»

د - هدف غایی ایجاد اتحاد جماهیر اسلام :

«...مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست ... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید . ولی این بدان معنا نیست که آنها را از هدف عظیم انقلاب - که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»

«مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان حاضرند، باید سعی کنند که سختی ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند . تا مسئولان بالای نظام کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است، برسند و از آن بخواهند

که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. (۱)

«... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چراکه بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست.» (۲)

با یک تعمق نه چندان ژرف در اهداف حضرت امام خمینی "قدس سره الشریف" درخواستیم یافت که بسیج در اولین سطح از سطوح مربوط به هدف نهایی یعنی «تعمیم و نشر فرهنگ اسلامی» در نظام بین الملل نمود پیدا می کند و خود در مقام یک هدف وابسته به هدف نهایی در مجموعه اهداف حضرت امام (ره) جلوه گر می شود.

نقش بسیج در دفاع همه جانبه :

در معنای «دفاع» و «دفاع همه جانبه» به تعمد در بسیاری از مباحث جستار حاضر، سخن به میان آوردیم و اکنون جای آن دارد که ضمن صحبت بیشتر در این باب، به نقش «بسیج» در «دفاع همه جانبه» بیش از پیش پرداخته و جهت جلوگیری از اطاله کلام که شاید اندکی نیز دیر آغاز شده باشد، مقاله حاضر را خط پایانی ترسیم نمائیم.

مفهوم دفاع در ارتباطی تنگاتنگ با مفهوم امنیت ملی یا بهتر بگوئیم در ارتباطی تفکیک ناپذیر و جدانشدنی با مفهوم امنیت است. بی تردید زمانی دفاع، تجلی عینی دارد که امنیت آدمی مورد هجوم واقع شود. پس دفاع یعنی دفع تجاوز در حوزه امنیتی زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی انسانی.

بدین ترتیب مفهوم «امنیت ملی» و «دفاع» با مفهومی دیگر در ارتباط تنگاتنگ قرار می گیرند و دردهلیزهای هزار نفری این مفهوم نیز جایگاه ویژه ای را اشغال می نمایند و آن مفهوم «قدرت» است. چراکه امنیت ملی در سایه قدرت ملی

حاصل می‌شود و دفاع در برابر مهاجم مستلزم وجود «قدرت» می‌باشد. بسیاری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل و اندیشمندان علوم سیاسی تحت عنوان عناصر قدرت ملی، عوامل و عناصر مختلفی را زیربنای قدرت ملی یک کشور ذکر کرده‌اند. برای مثال جغرافی دان آمریکایی «اسپایک من» N.J. spykman چند عامل را زیر بنای قدرت دانسته است:

مساحت کشور، طبیعت مرزها، جمعیت، وجود یا فقدان مواد اولیه، توسعه اقتصادی و صنعتی قدرت مالی، تجانس نژادی، میزان انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی و اخلاق ملی.

و پروفیسور «هان جی مورگنتا» N.J.Morgenthau نیز هشت عامل اصلی را به عنوان زیربناهای قدرت ذکر کرده است:

آنچه که در اصل و بنیان «قدرت ملی» یک کشور عنصر حیاتی است، نیروی انسانی آن کشور است و از اینروست که میتوان گفت: حضرت امام خمینی (ره) بر تربیت نیروی انسانی متعهد، متقی، دلیر، شهادت طلب و متخصص در هر زمان تأکید داشته و «بسپج نیروهای مردمی و توده‌های میلیونی» را در سطح ملی و جهانی همواره مورد تأکید قرار می‌دادند. در این دیدگاه انسان عنصر و پایه اصلی قدرت است که هر چه در موقعیت بهتر و با عوامل بیشتری از قدرت تجهیز گردد به «قدرت» بیشتر و در نتیجه توان و صلابت دفاعی فزونتر و در نهایت امنیت فراوانتر دست می‌یابد. در چنین دیدگاهی هر چه پایه اصلی قدرت انسان از لحاظ کم و کیفی گسترش پیدا کند و در سایه وحدت و سازماندهی دقیق در ظل ایدئولوژی مشخص، بسپج گردد، خواه ناخواه با در دست داشتن عوامل قدرت و گسترش کمی و کیفی آنها در طول زمان به قدرتی فراوان و تردیدناپذیر مبدل خواهد شد. بی‌تردید، پایه اصلی قدرت کشورها در توانایی و استعداد دولتهای آنها در بسپج توده‌های میلیونی و تربیت انسانهای فرهیخته بنیان دارد، اما برای روشن تر شدن بیشتر موضوع باید دو مفهوم بالقوه و بالفعل را نیز در «قدرت» و در این معادله مشخص نمود.

در یک نگاه اجمالی و مفید به موضوع، نیروی بالقوه شامل: ظرفیت مادی و مستعد برای تجمع و بکارگیری در جنگ احتمالی می‌شود؛ و نیروی بالفعل، همان نیروهای مسلح و وسایل و تجهیزات آماده برای استفاده فوری در جنگ است.

در زمان جنگ نیروی بالفعل شامل: قوای نظامی، انتظامی و دیپلماسی یک کشور است، که در سرنوشت جنگ و در میان میدانهای نبرد و خارج از آن نقش مؤثری دارند، در حالیکه این مجموعه تنها بخشی از عناصر و ابزاری را تشکیل می‌دهند که برای اداره سیاست خارجی و اداره حکومت در اختیار دولت است. در زمان صلح نیز این نیروها به همراه دیگر نیروهای دولتی تنها بخشی از ابزار و عناصری را تشکیل می‌دهند که در امر سازندگی، آماده سازی و توانمند شدن یک کشور سهیمند و می‌توان از آنها سود جست، این نیرو، همان قدرت واقعی یعنی قدرت توده‌های میلیونی در زمان صلح و جنگ است، که به شکل بالقوه‌ای همواره موجود است و دولتها باید با بوجود آوردن شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قدرت بسیج آنها را از قوه به فعل درآورند.

به این ترتیب بین نیروهای بالقوه و بالفعل عامل بسیج، یک پل ارتباطی ایجاد میکند، به ترتیبی که عموماً در محاسبه نیروهای دو حریف یا دشمن یا دو رقیب بالقوه متخاصم، استعداد بسیج امکانات ملی به نیروی بالفعل اضافه می‌شود، یعنی این برآورد که هیأت حاکمه یا رهبران جبهه متخاصم، تا چه حد استعداد ایجاد ظرفیت مناسب، مانند ایجاد شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بسیج، برانگیختن و «عزم ملی» آحاد ملت را در رقابت یا دشمنی با کشور دیگر دارا هستند.

بدین ترتیب اکنون باید بپرسیم دفاع همه جانبه چیست؟ و نقش بسیج در دفاع همه جانبه کدام است؟ اگر مفهوم دفاع همه جانبه را خارج از ادبیات انقلاب اسلامی معنا کنیم «مقابله با تهدید داخلی و خارجی از طریق بسیج نیروها و امکانات ملی (عزم ملی) در تمامی ابعاد متصوره تهدید» خواهد بود، البته این معنا نیز ناشی از برداشت حاصله از این مفهوم در ادبیات انقلاب اسلامی است که خود

نشأت گرفته از انوار اندیشه‌های حضرت امام (ره) می‌باشد.

در این حوزه مفهوم دفاع همه جانبه متضمن مقابله با هر نوع تهدید داخلی و خارجی برای همه در تمامی ابعاد متصوره تهدید و در لایه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق بسیج نیروها و امکانات مکتبی و ملی (عزم مذهبی و ملی) در جغرافیای جهان اسلام است.

استراتژی دفاع حضرت امام (ره) بر مبنای همین طرز تفکر شکل می‌گیرد. که حوزه‌های آن عبارت است از:

- ۱- استراتژی دفاع همه جانبه ملی از ایران اسلامی بعنوان مرکز جهان اسلام
 - ۲- استراتژی دفاع همه جانبه منطقه‌ای در خاورمیانه (وکشورهای اسلامی) در مقام جغرافیای ملل مسلمان
 - ۳- استراتژی دفاع همه جانبه بین‌المللی در سطح نظام بین‌الملل در مقام جغرافیای حاکمیت عدل الهی در روابط انسانی
- حضرت امام (ره) معتقد به تلاش ملل مسلمان در دستیابی به استقلال و آزادی و برچیدن پایگاه‌های نظامی شرق و غرب استراتژی دفاعی حضرت امام خمینی (ره) در اصول ذیل قابل بررسی است. *انسان و مطامع فرنگی*
- ۱- حفظ نظام جمهوری اسلامی از طریق دفاع همه جانبه ملی در مقام پایگاه‌ها شده از یوغ استعمار و استکبار و هم‌چنین در جایگاه مرکز اصلی مبارزات ضد استکباری در جهان اسلام.
 - ۲- مشارکت در هرگونه استراتژی معطوف به ایجاد وحدت در میان مسلمین و حمایت از منافع کشورها و ملل اسلامی.
 - ۳- مشارکت در رفع هرگونه تجاوز و تعدی که از ناحیه استکبار جهانی متوجه کشورهای اسلامی، مستقل، و آزادیخواه در نظام بین‌الملل می‌شود.

بدین ترتیب است که امام (ره) همواره بسیج سربازان جهان اسلام، تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان و تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی تأکید

می‌ورزیدند. حضرت امام(ره) با تأکید بر جهت‌گیریهای اسلام ناب محمدی ﷺ در مقابل (ظلم و ستم و استکبار - ریشه‌ها و سرچشمه‌های استکبار در دو بعد درونی «جهاد اکبر» و بیرونی «جهاد اصغر» و برخورد مکتب با مؤمنین و مستضعفین و صالحان در جوامع بشری) ضمن آنکه انجام تکلیف در ایدئولوژی اسلام را محدود به قلمرو جغرافیایی نمی‌دانستند، بر حفظ ایران اسلامی در مقام پایگاه اصلی حاکمیت نظام اسلامی ابرام و پافشاری می‌نمودند و از اینرو حفظ نظام را ارجح بر هر تکلیف دیگری می‌دانستند.

نتیجه‌گیری:

با تعمق در کلام امام(ره) و آنچه در این مقاله به بیان آن پرداخته در می‌یابیم که بسیج در مقام انکاء به عزم ملی و مذهبی توده‌های میلیونی آزادیخواهان مسلمان و آزاده در سر تا سر جهان و تجهیز امکانات مادی و معنوی ایشان در استراتژی حضرت امام(ره) به حدی مهم است که بدون آن نمیتوان تصور انجام هر اقدامی را از سر گذراند و یا حداقل به موفقیت نسبی آن متعقد بود، لذا در پایان پیشنهاد می‌نماید که سمینار تعیین اندیشه‌های دفاعی حضرت امام(ره) بیش از پیش بر این موضوع تأکید ورزیده و با بررسی ابعاد مختلف بسیج در زمان جنگ و صلح و در حوزه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توسط صاحب‌نظران و اساتید فن، جنبه‌های مختلف نظری و عملی تأثیر بسیج بر دفاع همه جانبه را در زمان جنگ و صلح به تحلیل گذاشته و در این ارتباط راهکارهای تشکیل بسیج سربازان جهان اسلام و تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی را بر اساس وضع موجود و قواعد حاکم بر عصر کنونی در نظام بین‌الملل و منطبق با فرمایشات حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری به نظام اسلامی ارائه نمایند.

فهرست منابع :

- ۱- اسلامی، احمد. روند تکاملی انقلاب و استراتژی قدرت . (بی جا. بی تا)
- ۲- آقابخشی، علی - افشاری راد، مینو. فرهنگ علوم سیاسی (تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴)
- ۳- بشریه، حسین . انقلاب و بسبج سیاسی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)
- ۴- بشریه، حسین . جامعه شناسی سیاسی . (تهران: نشر نی ۱۳۷۴)
- ۵- شارب، جین . دفاع مبتنی بر غیرنظامیان و سیاست دفاعی نوین، ترجمه را صفر زرگر . مجله سیاست دفاعی (سال اول : شماره ۲ - بهار ۱۳۷۲)
- ۶- قوام، عبدالعلی . اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل . (تهران: سمت ۱۳۷۰)
- ۷- قاسمی، ح . برداشتهای متفاوت از امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی سال اول، شماره ۲ (تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، بهار ۱۳۷۲)
- ۸- مطهرنیا، مهدی - تبیینی نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین الملل، کتاب دوم از پایان نامه کارشناسی ارشد . (تهران - دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴)
- ۹- N.J.Spxkman, America's Strategy in World Politic (Yale Universiey, 1942)
- ۱۰- H.J.Morgenthau, Politics Among Nations (Newyork :1973)
- ۱۱- مجموعه کتب در جستجوی راه از کلام امام (ره) (تهران انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲)



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی